



متازن وزیر دفاع انگلیس: از توان نظامی کافی
برای اسکورت گنم کشتی‌های تجاری خود برخوردار نیستیم

ادعان لندن به شکست سیاست اسکورت!

صفحه ۲

بازتاب ترقیب کشتی‌های تجاری توسط ایران
در رسانه‌های جهان

انگلیسی‌ها: تحقیر شدیم

گروه سیاسی: اقدام نیروهای سپاه پاسداران در توقیف کشتی قانون شکن انگلیسی در دهانه تنگه هرمز بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و افکار عمومی دنیا داشت.

به گزارش «وطن امروز»، در این میان اما رسانه‌های انگلیسی بیشتر از سایر رسانه‌ها درباره توقیف کشتی «استینا ایمپرو» اظهار نظر کردند. به غیر از مقامات انگلیسی، رسانه‌های مهم و معتبر این کشور به صورت متمرکز به ارزیابی آثار و تبعات توقیف کشتی انگلیسی توسط ایران پرداختند. نکته قابل تامل اینکه رسانه‌های سرشناس انگلیسی، تقریباً در یک موضوع اتفاق نظر داشتند و آن این بود که آنها درباره واکنش قاطعانه ایران به توقیف نفتکش «گریس ۱» در جبل الطارق، احساس حساسیت کرده‌اند. روزنامه گاردین روز شنبه یک روز پس از توقیف کشتی انگلیسی «استینا ایمپرو» توسط نیروهای سپاه در تنگه هرمز، از نقش جان بولتون در کشیده شدن پای انگلیس به این ماجرا پرده برداشت. این روزنامه با اشاره به واکنش مملو از خرسندی بولتون پس از اعلام توقیف کشتی «گریس ۱»، نوشت: این واکنش طوری بود که گویا او غافلگیر شده است اما شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد حقیقت چیز دیگری است. تیم امنیت ملی بولتون مستقیماً در شکل دادن به رخداد جبل الطارق نقش داشته است. این ظن وجود دارد که سیاستمداران [حزب] محافظه‌کار که به انتخاب یک نخست‌وزیر جدید، حقه‌بازی برای رسیدن به قدرت و بریزیت سرگرم بوده‌اند، به دام آمریکایی‌ها افتاده‌اند. گاردین می‌افزاید: «تبعات مسأله جبل الطارق تازه دارد روشن می‌شود. توقیف «گریس ۱»، مستقیماً به توقیف یک تانکر بریتانیایی به نام «استینا ایمپرو» توسط سپاه پاسداران انقلاب ایران در تنگه هرمز منجر شد. هرچند ایران میان این دو موضوع ارتباط مستقیم ایجاد نکرده اما این کشور قبلاً گفته بود «اگرچه» بریتانیا در جبل الطارق را پاسخ می‌دهد ایران حالا انتقام گرفته است». به گزارش فارس، این گزارش با اشاره به اینکه انگلیس اکنون درگیر انتخاب نخست‌وزیری جدید و بریزیت است، نوشته: لندن اکنون درگیر بحرانی بین‌المللی شده که به هیچ‌وجه برای آن آماده نیست. در ادامه این گزارش آمده است: «آوردن انگلیس کنار آمریکا، یک نتیجه مطلوب برای بولتون بود. به همین دلیل، زمانی که ماهواره‌های جاسوسی ایالات متحده که همسوا با تحریم‌ها، مأمور کمک به ممانعت از صادرات نفت

ایران شده بودند، «گریس ۱» را ردیابی کردند که بر اساس ادعاها به سمت سوریه حرکت می‌کرده، بولتون فرصتی یافت. گاردین سپس به گزارش روزنامه «ال بی بی سی» به نقل از مقام‌های رسمی اسپانیایی استناد کرده است. در بخشی از گزارش ال بی بی سی آمده است: «گریس ۱» که با پرچم پاناما حرکت می‌کرد، از ماه آوریل که در ساحل ایران لنگر انداخته بود، تحت نظر ماهواره‌های ایالات متحده قرار داشت. این ابرنفتکش که مملو از نفت خام بود، برای عبور از کانال سوئز بیش از حد بزرگ بود و باید با دور زدن دماغه امید نیک به سمت مدیترانه می‌رفت». بنا بر این گزارش، آمریکا ۴۸ ساعت پیش از نزدیک شدن این نفتکش به اروپا، رسیدن آن را به اسپانیا اعلام کرده و نیروی دریایی اسپانیا نیز آن را زیر نظر گرفته اما اقدامی برای توقیف آن انجام نداده است. این گزارش می‌افزاید: «به هر حال، بولتون به مادرید اتکا نکرده بود. ایالات متحده بریتانیا را در جریان قرار داده بود». به نوشته گاردین، در نهایت پس از نزدیک شدن کشتی به جبل الطارق، نیروهای ویژه ارتش انگلیس، «مشخص نیست به دستور چه کسی در لندن»، به کشتی حمله کرده‌اند. این روزنامه نوشته: اقدام انگلیس، نه تنها ایران، بلکه اسپانیا را نیز خشمگین کرده است، چرا که از یک‌سوی اقدام در آب‌های جبل الطارق بود و از سوی دیگر، مادرید معتقد است لندن با این کار، اسپانیا را نیز درگیر یک مناقشه دیپلماتیک کرده است. به نوشته گاردین، پس از این حادثه، ایران سفیر اسپانیا را نیز برای توضیح احضار کرده است. گاردین در ادامه نوشته است: «اقدام تلافی‌جویانه ایران در توقیف «استینا ایمپرو»، انزوای دیپلماتیک و آسیب‌پذیری اقتصادی و نظامی بریتانیا را بیش از پیش روشن کرد. دولت به کشتی‌های بریتانیایی توصیه کرده از عبور از تنگه هرمز اجتناب کنند که این خود ادعان به ناتوانی در حفاظت از آنهاست». در پایان این گزارش با اشاره به نبود حمایت بین‌المللی از انگلیس پس از توقیف نفتکش این کشور، آمده است: «شرط بندی بولتون پاسخ داده است. بریتانیا... در خط مقدم تقابل واشنگتن با ایران قرار گرفته است». توافق هسته‌ای در استانه فروپاشی است و بریتانیا با تهدید ایران به «تبعات جدی»، آن هم بدون آنکه بدان نتیجه این اقدام چیست، کور کرانه بدون به ساز جنگی بولتون می‌رقصد».

ایند پیبندنت: انگلیس بپیر کاغذی است

روزنامه ایند پیبندنت هم گزارش قابل توجهی درباره تبعات توقیف نفتکش انگلیسی در تنگه هرمز

منتشر کرد. این روزنامه در این باره نوشت که اقدام ایران برای توقیف نفتکش آنها در عصر جمعه (۲۸ تیر) در تنگه هرمز اقدامی اجتناب‌ناپذیر و توانایی بود که انگلیس با بی‌فکری‌اش داد. ایند پیبندنت در این باره نوشت: توقیف یک تانکر نفتی ایرانی - هرچند هم قانونی باشد - در صورتی که اقدامات احتیاطی لازم در برابر اقدام تلافی‌جویانه و اجتناب‌ناپذیر ایران انجام نشده باشد، اقدامی بی‌ملاحظه است. به گزارش تسنیم، این روزنامه با توجه به سابقه ضعف بریتانیا در برابر مخالفتش در طول ۲ دهه گذشته افزود: چطور نخست‌وزیر، کابینه و کارمندان ارشد دولت فکر کردند این تقابل می‌تواند با چیزی کمتر از یک پاسخ تحقیرآمیز برای بریتانیا پایان یابد؟ ایند پیبندنت همچنین نوشت: ایرانیان با توجه به پرورده نازنین زاعری می‌دانند انگلیس چیزی بیشتر از یک «بیر کاغذی» نیست. در انتها این مطلب می‌افزاید تا زمانی که نخست‌وزیران انگلیس، کابینه‌ها و کارمندان ارشد دولتی خود را از توهमत اخلاقی آزاد نکنند و به پیامدهای عملکردهشان بی‌توجه باشند، این کشور محکوم به تحقیر بی‌پای در سطح ملی است.

تعمید نخبان عرب از قدرت اسلامی

در میان مقالات و گزارش‌های منتشر شده در سطح جهان درباره اقدام مقتدرانه ایران در توقیف نفتکش انگلیسی، مقاله روزنامه رای‌ال‌یوم نیز قابل تامل است. روزنامه فرامنطقه‌ای رای‌ال‌یوم در یادداشتی به قلم «فوزی بن یونس بن حدید» نویسنده تونسسی با عنوان «پاسخ تهران به توقیف نفتکش ایرانی در جبل الطارق... این همان قدرتی است که می‌خواهیم»، قدرت ایران در مقابله به مثل با ابرقدرت‌ها را افتخاری برای جهان اسلام برشمرد. در این یادداشت آمده است: پس از آنکه ایران اعلام کرد یک نفتکش انگلیسی را توقیف کرده است، خشم انگلیس را برانگیخت. این کشور شروع کرد به تهدید کردن و دیگر فراموش کرد که یک نفتکش ایرانی را در تنگه جبل الطارق توقیف کرده است. این اتفاقات پس از این روی داد که تنگه هرمز شاهد تحرکات برای تحریک ایران در منطقه بود. رفتار ایران به منظور نشان دادن مقابله به مثل بود. چیزی که امروز ما به‌ندرت در جهان اسلام شاهدیم، جهانی که شاهد شکست‌ها و مصیبت‌های بی‌پای است. امروز پس از توقیف نفتکش انگلیسی روشن شد، مقابله با ایران آنگونه که بولتون و نتانیاهو و غیر آن دو گمان می‌کنند، ساده و راحت نیست و با کشورهای قدرتمندی نظیر آمریکا، انگلیس و فرانسه

به مقتضای حال رفتار می‌کند، یعنی با آنها هم‌تراز است. این قدرتی است که ما می‌خواهیم؛ این رفتاری است که ما می‌خواهیم تا غرب متوجه شود قدرتی اسلامی در منطقه حضور دارد که نمی‌تواند ثبات آن را بر هم بزنند. در ادامه این نوشته آمده است: با این اقدام منطقی ایران، رئیس‌جمهور آمریکا مجبور شد برخوردی دیپلماتیک با ایران داشته باشد، زیرا زبان تهدیدی که رئیس‌جمهور آمریکا چه در توییتر و چه در تریبون‌های رسانه‌ای به کار می‌برد، هیچ ثمری نداشت و اصلاً هیچ تأثیری روی ایران نداشت و بالعکس اصرار ایران را برای رویارویی مستقیم بیشتر کرد تا خود را قدرت خیره‌کننده‌ای نشان دهد که در برابر هر گونه تهدید مستقیم و غیرمستقیم مقاومت می‌کند و سیاست‌مداران برابر ندان را دنبال می‌کند. این ایران نیست که در منطقه و به‌طور ویژه تنگه هرمز بحران‌ساز است؛ ایران اوضاع را بخوبی مطالعه کرده و با دیگران طوری رفتار می‌کند که آنها با ایران رفتار می‌کنند. از همین رو کسی ایران را به‌خاطر اقداماتی که آمریکا و انگلیس آن را تحریک‌آمیز برمی‌شمردند، سرزنش نمی‌کند.

رای‌ال‌یوم در ادامه می‌نویسد: در برابر این قدرت ایران که امروز به آن مفتخریم (زیرا قابل رقابت با قدرت آمریکا، انگلیس و اروپاست)، ایران از موضع قدرت وارد مذاکره می‌شود و تلاش می‌کند دیدگاه خود را با احترام متقابل و نه اتهام‌زنی و تحمیل تحریم‌های اقتصادی کمرشکن اعمال کند. امروز غربی‌ها متوجه نیستند ایران قدرتمند است و به هیچ قدرتی در دنیا اجازه توهین به آن یا تعرض به حقوقش را نمی‌دهد. این معادله میان ایران و غرب باقی می‌ماند تا وقتی که به توافقی نهایی دست یابند که آتش جنگی و برانگیزان را در منطقه خاموش کند؛ جنگی که هیچ‌کسی از آن فایده نمی‌برد. بنابراین باید به طور جدی در مسأله دریانوردی بین‌المللی تأمل کنیم، زیرا همه دنیا به همین کشتی‌های تجاری که کالاها را با عبور از تنگه هرمز منتقل می‌کنند وابسته‌اند و هیچ جایگزین واقعی وجود ندارد تا دنیا از تنگه هرمز بی‌نیاز کند. امروز ایران ارزش و قدرت خود را در مقابل جهان ثابت کرد و نشان داد یکی از ستون‌های اصلی اسلام در منطقه و جهان است و هیچ قدرتی دیگری نمی‌تواند با آن روبه‌رو شود، زیرا با دشمنش مثل خودش رفتار می‌کند؛ سیاستی که دشمن بخوبی آن را در منطقه درک می‌کند، از همین رو قادر به رویارویی مستقیم نیست، زیرا اگر دست به حمایتی بزند، مطمئناً خواهد باخت.

نما

جک استراو: ایرانی‌ها حق دارند از «روایه استعمارگر» خشمگین باشند

یک کودتای موفق علیه محمد مصدق، نخست‌وزیر منتخب ایران در سال ۱۹۵۳ بود. ما به تقویت شاه در نیمه و اواخر دهه ۱۹۷۰ کمک کردیم، آن هم در حالی که روشن بود او دارد پایگاه مردمی‌اش را - آن هم به شکلی فاجعه‌بار - از دست می‌دهد. در سال ۱۹۷۹ محمدرضا پهلوی در جریان انقلاب تحت رهبری آیت‌الله خمینی سرنگون شد و در ضدانگلیسی و پس از آن هم با افرادی روبه‌رو شده است که به سوابق استعماری و ضدایرانی انگلیس اعتراض می‌کرده‌اند. او البته این موارد را به اعضای بسیج و سپاه پاسداران نسبت داده و نوشته به دلیل این اقدامات، مجبور شده ۴ روز زودتر از برنامه، ایران را ترک کند. او که اخیراً کتابی را تحت عنوان «کار انگلیسی» منتشر کرده، نام این کتاب را به ضرب‌المثل «کار، کار انگلیسی‌هاست» نسبت داده و نوشته اگر لندن می‌خواهد دلایل تنش‌های اخیر در خلیج‌فارس را دریابد، باید به سابقه روابط ۲ کشور رجوع کند او سپس می‌نویسد: «نهایتاً دلایل خوبی دارند تا از «روایه حیل‌گر و استعمارگر» - لقبی که به ما داده‌اند - خشمگین باشند. ایران هرگز مستعمره بریتانیا نبوده اما این به آن معنا نیست که ما از این کشور برای رسیدن به ثروت و قدرت، بهره‌کشی نکرده‌ایم. مستعمره‌های ما حادقل جاده، شبکه فاضلاب و خط آهن به دست آوردند اما وضعیت در ایران کاملاً برعکس بود: بریتانیا و روسیه، بعد از رقابت با هم برای کنترل این کشور، در نهایت به توافقی رسیدند که هر گونه ساخت خط آهن را تا دهه ۱۹۲۰ متوقف کرد.

در طول قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، ما با رشوه و فریب، ایران را به انجام خواسته‌های ما واداشتیم و هر وقت هم که اینها نتیجه نداد، در این کشور نیرو پیاده کردیم. ما در جنگ اول جهانی به این کشور تجاویز کردیم و با این کار به شکل‌گیری یک قحطی فاجعه‌بار کمک کردیم. در جنگ دوم جهانی، ما به همراه روس‌ها، این کشور را برای ۵ سال - بین سال‌های ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۶ - اشغال کردیم. ما در سال ۱۹۴۱ شاه را کنار گذاشتیم و پسر ضعیف‌تر و حرف‌شونتر او را سر کار آوردیم. زمانی که پارلمان ایران مبارزه‌های ۸ ساله را برای ملی کردن پالایشگاه عظیم و شبکه گسترده راه‌آهن نفتی «بریتیش پترولیوم» آغاز کرد، پاسخ ام‌ای ۶ و سیا راه‌اندازی

اما فهمیدن دلایل این رفتار، می‌تواند حیاتی باشد». تهران، صرفاً به افزایش اتحاد داخلی در ایران منجر شده، نوشته است: «پس از ۲ قرن تحقیر، ایران بیش از هر چیز به دنبال احترام و به رسمیت شناخته شدن است». به گزارش فارس، در پایان این یادداشت آمده است: «هن به عنوان کسی که در مرحله نخست مذاکرات هسته‌ای با ایران (بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶) به مدت ۳ سال ابا ایرانی‌ها مذاکره کرده‌ام، می‌دانم اگر به ایران احترام بگذارید، رسیدن به توافق ممکن است. بدون این کار، این بازی موش و گربه در خلیج فارس و بی‌ثباتی مداوم در کل خاورمیانه، ادامه خواهد یافت. شاید نوع رفتار ایران را دوست نداشته باشیم اما فهمیدن دلایل این رفتار، می‌تواند حیاتی باشد».